



## صلوة مسعودی

### متنی فارسی از سده ششم هجری

علی صفری

صلوة مسعودی متنی است مبسوط به زبان فارسی در فقه حنفی که در عین اهمیت بسیار زیاد آن و با اینکه تاکنون دستنویس‌های بسیاری از آن شناسایی و معرفی شده، هنوز هم چاپ‌نشده باقی مانده است. البته بیشتر فهرست‌نویسان در شناسایی متن و نویسنده آن دچار سردرگمی بوده‌اند و غیر از زنده‌یاد محمدتقی دانش‌پژوه — که به درستی آن را از سده ششم دانسته است — دیگران احتمالات گوناگونی را دربارهٔ محدودهٔ تاریخی آن ذکر کرده‌اند. ما در این نوشته قصد داریم که ضمن اشاره به تاریخی نسبتاً دقیق‌تر از آنچه مرحوم دانش‌پژوه ذکر کرده‌اند، به اهمیت صلوة مسعودی از دیدگاه ویژگی‌های زبانی و اطلاعات جامعه‌شناختی ماوراءالنهر در سده‌های پنجم و ششم بپردازیم.

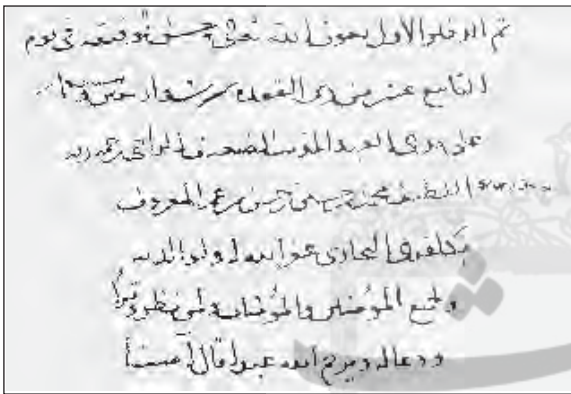
### محدودهٔ زمانی

در مورد نویسندهٔ صلوة مسعودی و دورهٔ زندگی او اطلاعات ما بسیار اندک است. منابعی که به معرفی آثار و نویسندگان متون فقهی پرداخته‌اند، در مورد این کتاب و نویسندهٔ آن هیچ اطلاعاتی دربردارند. خود نویسنده نیز در متن کتاب اشارهٔ صریحی به جزئیات زندگی‌اش ندارد. فقط از روی قرائنی که در متن آمده، می‌توان یقین حاصل کرد که وی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده است. نویسنده در یکی دو مورد، اشاره به نام کوچک خود (فقیه مسعود) دارد و از استادانش یاد کرده است. این موارد و همچنین

نام دانشمندانی که در متن آمده، تنها قرائنی است که می‌تواند ما را در شناسایی دورهٔ نگارش این کتاب یاری دهد و ما در اینجا به این موارد می‌پردازیم.

یکی از کهن‌ترین متون فارسی که در آن به صلوة مسعودی اشاره شده، کتاب طبقات ناصری (تألیف حدود ۶۵۵-۶۵۸ ق) اثر قاضی منهاج سراج است. در آنجا (ج ۱، ص ۳۸۱) ضمن اشاره به شرح حال آتسز به این کتاب اشاره شده است: «سلطان علاءالدین آتسز پادشاه عادل و عالم‌پرور بود؛ کتاب مسعودی در فقه محفوظ او بود...»

اگر این مطلب صحیح باشد و مقصود از «کتاب مسعودی» کتاب دیگری نباشد، آنگاه با توجه به اینکه آتسز در ۵۵۱ق درگذشته است، تألیف صلوة مسعودی به زمانی پیش از این تاریخ بازمی‌گردد.



از قدیمی‌ترین متونی هم که مطالب متعددی را از صلوة مسعودی نقل کرده، کتاب جواهر الاحکام مصطفوی اثر سراج‌الدین ابوالحسن علی بن عثمان بن محمد تمیمی اوشی فرغانی ماتریدی حنفی (درگذشته ۵۷۵ق) است (نک: راهنمای کتاب، س ۱۱، ش ۱۰-۱۲، صص ۵۹۰-۵۹۴)؛ پس تألیف صلوة مسعودی قطعاً به تاریخی پیش از ۵۷۵ق و با استناد به گفتهٔ منهاج سراج به پیش از ۵۵۱ق بازمی‌گردد و اشارهٔ این دو متن، شواهدی در نگارش این متن به تاریخی در حدود نیمهٔ سده ششم و پیش از آن است.

چنانکه می‌بینیم، این دو قرینه از بیرون متن به دست آمده است، اما از قرائن درونی متن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. در برگ ۲۸ پشت (نسخهٔ قونیه) آمده است: «... شیخ الاسلام علی اسبیجایی — رحمه‌الله — گفته است که مسافر را بر سر دو نشستن فریضه است.»

۱. متن: «عالم و عادل‌پرور».



تاریخ مرگ این شیخ الاسلام علی اسبیجایی در کتاب تاج التراجم فی طبقات الحنفیة سال ۵۳۵ق ذکر شده است: «و علی بن محمد بن اسماعیل بن علی بن أحمد بن محمد بن إسحاق الاسبیجایی شیخ الإسلام السمرقندی... توفی بسمرقند یوم الاثنين الثالث والعشرين من ذی العدة سنة خمس وثلثین وخمسائة وله شرح مختصر الطحاوی.»

نیز در رساله فارسی بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت ضمن اشاره به تاریخ ۵۳۵ق برای تألیف آن رساله آمده است: «و کبار ائمه رحمهم الله در آن تاریخ در احیا بودند؛ چون شیخ الاسلام و المسلمین جلال الدین علی بن اسماعیل الاسبیجایی و...»

و اگر عبارت دعایی «رحمه الله» — نقل شده در صلوة مسعودی — را از کاتب ندانیم، تاریخ نگارش کتاب از این سو به ۵۳۵ق محدود می شود.

باز در برگ ۸۸ رو از نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد نسفی — عالم مشهور حنفی صاحب رساله فارسی بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت — یاد شده است که می دانیم در ۴۶۱ق به دنیا آمده و در ۵۳۷ق درگذشته است: «... نجم الدین عمر نسفی — رحمه الله — به مشهد قثم بن عباس رضی الله عنهما رفت، دید که غازیان بُرحاس<sup>۱</sup> نهاده اند و بر آنجا نام ابوجهل — علیه اللعنه — نوشته بودند...»

اگر باز هم عبارت دعایی فوق را از کاتب ندانیم، تاریخ نگارش کتاب از این سو محدود می شود به سال ۵۳۷ق و می توانیم نتیجه بگیریم که نگارش این کتاب میان سال های ۵۳۷ (= مرگ نسفی) و ۵۵۱ (= مرگ آتسز) انجام شده است.

از دیگر قرائن متن، اشاره نویسنده به ارسلان خان غازی (برگ های ۸۷پ و ۸۸ر نسخه قونیه) است که از وی به صورت شخصی درگذشته یاد می کند: «آورده اند که<sup>۲</sup> ارسلان خان غازی — رحمه الله — با حشم خود به شکار رفته بود؛ از حشم جدا افتاد.»

به احتمال بسیار، این شخص همان ارسلان خان محمد بن سلیمان قراخانی فرمانروای ماوراءالنهر و پدر زن سنجر سلجوقی است که بین سال های ۵۲۴ تا ۵۲۶ق درگذشته است (نک: و.و. بارتولد، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، امیرکبیر، ۱۳۵۸ش، ص ۳۵۳). اشاره احترام آمیز نویسنده نیز این امر را تأیید

می کند؛ چرا که این فرمانروا منشأ خدمات بسیاری در ماوراءالنهر بوده است. با این حساب، برای تاریخ تألیف کتاب از این سو نیز باز سال ۵۲۴ق را می توانیم به صورت قطعی بپذیریم. البته شاید بتوان با جستجوی بیشتر، قرائن دقیق تری برای محدوده زمانی تألیف کتاب به دست آورد، اما گمان می رود که این موارد برای حصول به مقصود ما عجالاً کافی باشد.

### نسخه ها

کهن ترین نسخه ای که از این متن می شناسیم، در محرم سال ۷۴۶ق کتابت شده و به شماره ۱۳۶۳ در کتابخانه موزه قونیه نگهداری می شود. نسخه دارای ۳۴۲ برگ و کامل است. فیلمی از آن به شماره ۳۰۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و همین نسخه است که در نوشتن مقاله حاضر مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است.

از این متن نسخه های بسیار زیادی شناسایی شده است که بیشتر آنها در خارج از ایران نگهداری می شود، اما دو نسخه از آن را هم در ایران سراغ داریم که اتفاقاً از کهن ترین نسخه های اثر محسوب می شود.

یکی از آنها با عنوان «فقه مسعودی» به شماره ۹۱۷۴ در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود (نک: فهرست آنجا، ج ۲۳، صص ۲۹۱-۲۹۲) و از اواخر سده هشتم هجری دانسته شده است. نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد، اما از حجم آن (۴۰۶ برگ) مشخص است که نباید این افتادگی چندان زیاد باشد. متأسفانه در فهرست کتابخانه اطلاعات کارآمدی برای شناسایی بیشتر نسخه ارائه نشده است.

نسخه دیگر با عنوان «صلاة مسعودی یا جامع الفقه» به شماره ۱: ۱۱۲-۶۰۶۳ در کتابخانه آستانه مقدسه قم (فهرست آنجا، صص ۱۴۰-۱۴۴) نگهداری می شود که در ۸۲۹ق (در پایان دفتر اول) استنساخ شده و دارای ۲۶۴ برگ است.

در مورد نسخه های این اثر، توجه به یک نکته حائز اهمیت بسیار است و آن اینکه نسخه های این متن اختلاف

۱. به همین اعراب و سه نقطه زیر حرف سین؛ در لغتنامه دهخدا به

صورت «بُرجاس» (به جیم معجمه) ضبط شده است.

۲. نسخه: «+ از».



زیادی با یکدیگر دارند. مهم‌ترین این اختلافات مربوط به شمار مجلدات آن است؛ چنانکه در برخی نسخه‌ها مانند نسخه قونیه دارای دو جلد و در بسیاری از نسخه‌ها مانند نسخه پنجاب (پنجابلیک لائبریری لاهور، ش ۶۳ و ۶۴ و ۶۵) دارای سه جلد و حتی در برخی نسخه‌ها مانند نسخه‌های بنیاد خاورشناسی لنینگراد (نسخه‌های C۱۵۰۷ و C۲۰۴۱) در چهار دفتر است (نک: فهرست کتابخانه آستانه مقدسه قم، ص ۱۴۰). این اختلاف به گونه‌ای است که مثلاً در فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان (ج ۱۴، ص ۵۸۸) ابتدا کتاب در دو جلد معرفی شده و در ادامه — هنگام ذکر جزئیات — به نقل سرآغاز سه جلد پرداخته شده است.

ما پس از این، هنگام بررسی «نام کتاب» به این موضوع خواهیم پرداخت که آنچه با نام صلوة مسعودی شناخته می‌شود، شاید بخش نماز از کتاب مبسوطی در فقه باشد، اما در اینجا با توجه به اینکه نسخه آستانه قم و نسخه قونیه در دسترس بوده و می‌تواند در تصحیح این متن در ایران به کار آید، متذکر این نکته می‌شویم که بر خلاف آنچه مرحوم دانش‌پژوه در فهرست آستانه (ص ۱۴۱، س ۱۰) نوشته‌اند: «نسخه قونیه... با نسخه آستانه قم اختلافات بسیاری دارد» چنین نیست و لاقلاً از مقابله صفحه پایانی از جلد اول نسخه آستانه — که تصویر آن در فهرست آنجا چاپ شده — با نسخه قونیه مشخص می‌شود که با دو نسخه از یک اثر مواجه هستیم؛ منتها گویا در ادوار بعدی، نسخه آستانه را اندکی روزآمد کرده و تحریر دیگری از آن ارائه کرده‌اند. برای اینکه نموداری از این تغییر در دست باشد، عبارات پایانی دو نسخه را در زیر با یکدیگر مقابله می‌کنیم:

نسخه قونیه (۲۰۴ر): «مسله: آب مشکوک در چاه افتاد. حسن زیاد از ابوحنیفه — رحمه‌الله — روایت می‌کند که دلوی چند برکشند پاک شود. اختیار خواجه امام زاهد فخر — رحمه‌الله — آنست که بیست دلو برکشند پاک شود. از محمد — رحمه‌الله — روایت است که کل چاه را برکشند؛ نه از آن روی که پلیدست؛ و ازین روی که تا پاک پاک‌کننده شود. والله تعالی اعلم و علی العصاة ارحم.»

نسخه آستانه: «مسله: اگر آب مشکوک را در چاه ریختند حکمش چیست؟ حسن زیاد از امام اعظم —

رحمه‌الله — روایت می‌کند که دلوی چند غیر تعیین برکشند پاک شود. اما مختار خواجه امام زاهد فخر — رح — آنست که چون بیست دلو برکشند چاه پاک شود. در شرح از امام محمد — رح — روایت است که کل آب چاه را باید برکشیدن؛ نی ازان روی که پلید شده است؛ اما از برای آنکه پاک‌کننده شود. والله اعلم بالصواب.»

می‌بینیم که با دو تحریر از یک کتاب مواجه هستیم و مشخص است که در تصحیح یکی — که قطعاً نسخه قونیه است — می‌توان از دیگری بهره گرفت.

برای اینکه فراوانی نسخه‌های اثر نمایانده شود، به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که در فهرست مشترک پاکستان (ج ۱۴، ص ۵۸۸) نشانی ۶۵ نسخه از این اثر به دست داده شده است. همچنین در مجلدات مختلف نشریه نسخه‌های خطی به نشانی شانزده نسخه آن اشاره شده است.

همچنین گفتنی است، بر اساس فهرستی که دکتر عارف نوشاهی از کتاب‌های فارسی چاپ شبه‌قاره تهیه کرده است — و به‌زودی از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر خواهد شد — تاکنون یازده چاپ از این متن — از ۱۲۷۷ تا ۱۳۰۹ق و همگی در بمبئی و لاهور — منتشر شده است<sup>۱</sup> که نشانگر توجه ساکنان آن منطقه به این متن است.

### نام اثر

در مورد نام کتاب باید توجه داشت که گویا در میان آثار تألیفی درباره فقه حنفی، استفاده از دو نام عمومیت داشته است. این دو نام عبارت‌اند از: «جامع»<sup>۲</sup> و «صلوة»؛ و جالب اینجاست که هر دو نام — یعنی جامع مسعودی و صلوة مسعودی — را در عنوان برخی نسخه‌های این اثر می‌بینیم. از جمله متونی که نام «صلوة» را در عنوان خود دارد «صلوة ماچینی» است که متن فارسی معروفی در فقه حنفی است و این یکی هم متأسفانه چاپ انتقادی نشده است. نیز در صلوة مسعودی آمده است:

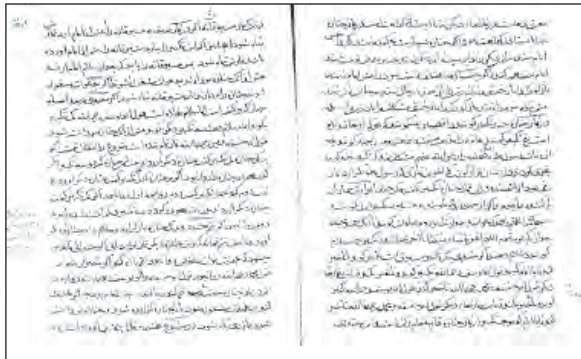
— در صلوة خواجه امام اجل سرخس آورده است که آن

۱. این مطلب به لطف فاضل گرامی آقای احمدرضا رحیمی‌ریسه در اختیار نگارنده قرار گرفت.

۲. البته نام «جامع» را برای فرقه‌های دیگر و مفاهیم گوناگون هم به کار برده‌اند.

مار را برکشیدند، سیزده من آمد و صلوة خواجه امام بکر خواهرزاده آورده است که هفده من آمد (۱۱پ).  
 - اما در صلوة خواجه امام بکر زرنکری آورده است که... (۲۹پ).

ایشان را درمی دادی، به دست آن را گرفتندی و کاله (= کالا) دادندی، و آنگاه آن درم بردندی و در آب انداختندی تا به فرامشتی به کسی دیگر ندهند...»



- شیخ اسلام برهان‌الدین، صلوة خواجه امام منهاج - رحمهما الله - درس کرد، روایت بیرون آمده... (۲۱پ).  
 البته گاهی نیز بخش صلوة از یک کتاب منظور است که باید توجه داشت. مثلاً در صفحه ۹۶ پ آمده است: «... در گرمابه قرآن شاید خواندن یا نی؟ در صلوة مختصر ایضاح، خواجه امام فضل کرمانی - رحمه الله - آورده است که...»

در برگ ۱۷۳ آمده است: «... اگر از نجاست چیزی بُود بر وی، پلید شود. با تخم مرغ بلغده نماز روا بُود که نجاست در محل است؛ اما اگر تخم مرغ چوجه شود، با وی نماز روا بُود که با مرغ زنده نماز روا بُود.»

این دو نام و اختلافاتی که میان نسخه‌های اثر موجود است این تصور را قوت می‌بخشد که شاید صلوة مسعودی عنوان بخش نماز از کتاب فقهی مبسوط‌تری از همین نویسنده بوده که در برخی از نسخه‌ها جامع مسعودی نامیده شده است. این احتمال وقتی قوت می‌گیرد که می‌بینیم جلد سوم برخی نسخه‌ها شامل کتاب «زکوة» است (مثلاً نک: فهرست تفصیلی نسخ خطی فارسی انستیتو ککلیدزه تفلیس، ج ۲، ص ۱۵۷).

نیز در برگ ۲۵۸ پ آمده است: «... اگر چیزی حایل است همچون دارافزین یا ستون یا دیوار، نماز کسی تباہ نشود. اگر زنان بر بالای رفاند و مردان در پستی، روا بُود یا نی؟... اگر محراب کمر است و امام تمام در محراب است، کراهت بُود و این هم تشبیه است به اهل کتاب.»  
 یا در برگ ۳۳۷ آمده است: «اگر نخجیر آمد و مر مُرده را کاوید و برکشید و ناچیز کرد، اگر کفن برقرار است، نگاه دارند تا غریبی گذشته شود کفن کنند. اگر کفن آنهنج از مرده کفن آنهنجید، باید که میراث‌خواران، کفن دیگر کنند.»

### ویژگی‌های زبانی و رسم‌الخطی

این یک اصل عمومی است که آثار پدیدآمده در ماوراءالنهر، هم از نظر کاربردهای دستوری و هم از نظر مفردات و واژگان، ساختاری کهن‌تر را نمایش می‌دهند و این نکته در صلوة مسعودی کاملاً صادق است. درباره ویژگی‌های این متن جای بررسی و گفتگو بسیار است و ما در اینجا به ذکر برخی نمونه‌ها بسنده می‌کنیم:

۲. ویژگی‌های رسم‌الخطی: وجود برخی نمونه‌های رسم‌الخطی در کتاب، و نسخه، مانند ضبط برخی واژه‌ها به فای اعجمی (سه نقطه)، در واژگانی چون **قام** (وام)؛ یا نگارش برخی واژگان با رسم‌الخط خاص، مانند تبعیت از رسم‌الخط قرآنی در واژه‌هایی چون «ربوا» (ربا)، و مواردی از این دست در متن موجود است که برخی از این موارد نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۱. ویژگی‌های زبانی: ساختار زبانی اثر به این دلیل که به منظور آموزش فراهم آمده، کاملاً طبیعی و به دور از تصنع است و نویسنده از ویژگی‌های زبانی منطقه در نگارش اثرش استفاده کرده است. در این میان، واژه‌های خاصی نیز در متن به کاررفته که برای زبان‌شناسان و به‌خصوص فرهنگ‌نویسان جالب توجه است. برای نمونه در برگ ۸۷ پ آمده است: «و بزرگان پیشین بر دوکان‌ها نشستندی، نکاف (= بهله، نوعی دستکش) و گاز داشتندی تا اگر ایشان را حدث رسیدی و خریدار آمدی و خواستی تا درمی به ایشان دهد، آن نکاف را در دست آوردندی و آنگاه آن درم را گرفتندی و اگر کسی

۳. ویژگی‌های اجتماعی: اطلاعات اجتماعی ارزشمندی - از آداب و رسوم، جغرافیا، تاریخ و... در منطقه - به صورت پراکنده در متن دیده می‌شود که می‌تواند

۱. در نسخه به خطی دیگر «ال» به ابتدای فصل افزوده و در حاشیه «ابو» را اضافه کرده‌اند و گویا منظور تصحیح «فضل» به «ابوالفضل» مراد بوده است.



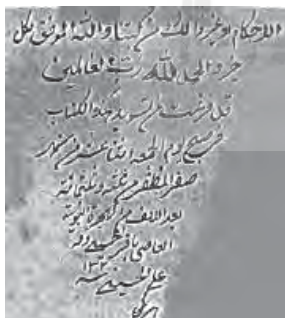
## اختصارات در نسخه‌های خطی

محسن جعفری مذهب

نویسندگان و کاتبان قدیم، در به‌کاربردن اسامی آشنا و پرتعداد، از واژه‌های اختصاری بهره می‌بردند. مثلاً در نام‌بردن از عالمی به حداقل کلمات اکتفا می‌کردند و لذا کسانی چون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی، علامه حلی، محقق حلی، محقق کرکی، به‌آسانی نزد خوانندگان شناخته شده بودند. بعدها اختصاراتی به میان آمد که نام کوچک عالم را نداشته است اما چون آنان مشهور بودند، همچون شهید اول، شهید ثانی، شهید ثالث، سرآخر نیز با نام کتاب نویسنده مختصر می‌شدند، همچون صاحب قواعد، صاحب جواهر، صاحب شرایع، صاحب مکاسب، بحث اختصارات نام نویسندگان و کتاب‌های آنان، خارج از یادداشت حاضر است.

در آغاز نسخه‌ای از منتهی المطلب علامه حلی که برای کتابخانه ملی ایران خریداری شد، چندین یادداشت آمده است که برایم جالب بود: مؤلفات علامه حلی، شرح واژه‌های صدوق، شیخ، شیخان، شیخین، رموز الکتاب، رموز اسامی، تعداد مسائل در کتب علامه حلی و چند حدیث و یادداشت دیگر. در اینجا بخش‌های مربوط به اختصارات را می‌آوریم.

شاید بهتر باشد ابتدا انجامه کتاب را آورد تا شناسنامه آن روشن گردد:



قد فرغت من تسوید هذه [هذا] الكتاب  
فی صبح یوم الجمعة اثنا عشر من شهر  
صفر المظفر من ثلثة و ثلثمائة  
بعد الألف من الهجرة النبویة  
العاصی باقر الحسینی ولد  
علی الحسینی سنة ۱۳۲۰

در شناسایی محیط اجتماعی ماوراءالنهر در سده پنجم و ششم بسیار سودمند باشد. برخی از این اطلاعات شاید منحصر به همین متن باشد یا اینکه در متون دیگر بدین‌گونه دیده نشود. برای نمونه در مورد «نمازی کردن جامه/فوطه» توصیف دقیقی را در برگ ۹۵ می‌بینیم:

شرط نمازی کردن فوطه آن است که پنگان را پُر کنی و بر لب آخر نهی و فوطه را از خود جدا کنی و بتابی تا آب‌های مستعمل از وی بیرون آید. آنگاه فوطه را بر دست چپ بگسترانی و به دست راست پنگان را بگیری «چنانکه انگشتِ تر بدان سرایت نکند — و بر فوطه ریزی چنانکه ظاهر و باطن فوطه تر شود؛ و آنگاه فوطه را بتابی و باز بر دست چپ بگسترانی و آب بگیری چنانکه انگشت بدان آب سرایت نکند و بر فوطه ریزی چنانکه ظاهر و باطن فوطه تر شود و باز بتابی. سه بار همچنین کنی فوطه پاک شود.»

یا در برگ ۵۰ آمده است:

«در حق دستار، کراهِت جایی بُود که کلّ دستار را ریض در بسته باشد و تمامت تار سر را گشاده مانده؛ اگر اندکی گشاده ماند یا فرجه‌ای ماند، باکی نباشد که دستارداران را از آن چاره نیست. سنیان سمرقند، «زورقی» از برای آن ساخته‌اند تا آن کراهِت بر خیزد، نی از برای صرفه دستار را... دستار طیلسان کردن کراهِت بُود. محمد — رحمه الله — گفته است که رسول علیه‌السلام دستار طیلسان نکرده است و صحابه رضوان الله علیهم اجمعین دستار طیلسان نکرده‌اند مگر عرب نادان. معنی طیلسان آن بُود که دستار زیر گلو درآرد و به طرف دیگر برآرد؛ این در معنی معجر شود و رسول «ع» از آن نهی فرموده است.»

یا در برگ ۱۱ آمده است:

«در صلوة خواجه امام اجل سرخس آورده است که آن مار را برکشیدند، سیزده من آمد و صلوة خواجه امام بکر خواهرزاده آورده است که هفده من آمد به سنگ ری که هر یک من ایشان سیصد درم سنگ است.»

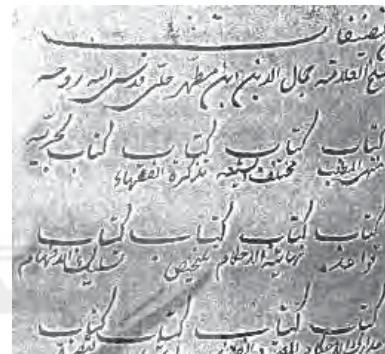
آنچه ذکر شد گوشه‌ای از ویژگی‌های این متن است و جا دارد که صاحب‌همتی پژوهش بر روی آن را آغاز کند و با خواست خداوند، به سرانجامی نیک برساند.

و حال پنج یادداشت مرتبط را بازمی نویسیم:  
 ۱. نوشته‌های علامه حلی، که در آنها نام بعضی کتاب‌ها در یک یا دو کلمه خلاصه شده‌اند:

من تصنیفات

شیخ العلامة جمال‌الدین بن مطهر حلی قدس الله روحه

کتاب	کتاب	کتاب	کتاب
منتهی‌المطلب	مختلف‌الشیعه	تذکره‌الفقهاء	کتاب
کتاب	کتاب	کتاب	کتاب
قواعد	نهایه‌الاحکام	تلخیص	تسلیمک‌الافهام
کتاب	کتاب	کتاب	کتاب
مدارک‌الاحکام	المعتمد فی الفتوی	کتاب ارشاد	کتاب تبصره

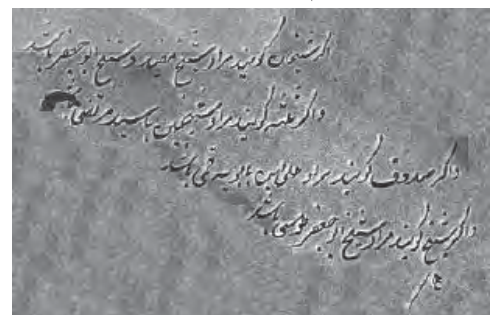


۲. تعداد مسائل در کتب علامه حلی:

فائده

- القواعد مائة واحدى واربعون
- الف مسألة والشرايع اثني عشر الف مسألة والارشاد خمسة عشر الف مسألة

۳. اختصارات سستی نام علمای بزرگ شیعه:



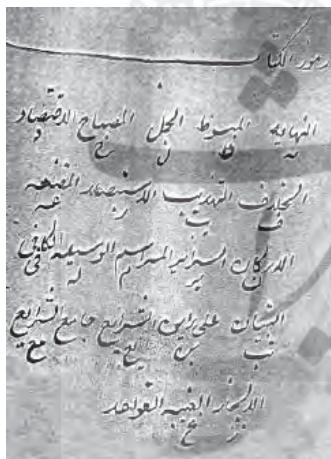
اگر شیخان گویند مراد شیخ مفید و شیخ ابوجعفر باشد و اگر ثلثه گویند مراد شیخین با سید مرتضی باشد اگر صدوق گویند مراد علی ابن بابویه قمی باشد اگر شیخ گویند مراد شیخ ابوجعفر طوسی باشد

۴. اختصارات نوین نام کتاب‌ها:  
 در این اختصارات معمولاً حرف آخر یا دو حرف آخر کتاب به عنوان اختصار ثبت می‌شد:

رموزالکتاب

النهايه	المبسوط	الجمال	المصباح	الاقتصاد
يه	ط	ل	ح	د
الخلاف	التهديب	الاستبصار	المقنعه	الاركان
فپ	يب	ر	عه	ن
السراير	المراسم	الوسيله	الكافي	البتيان
ير	م	لر	في	تب
على رابن	الشرايع	جامع الشرايع	الايجاز	الغيبه
بن	يع	مع	ز	غ

القواعد



۵. اختصارات نوین نام عالمان:

در این اختصارات نیز معمولاً یک حرف (بیشتر حرف آخر) به عنوان نشانه اختصار به کار می‌رود:

رموز اسامی

شیخ	مرتضی	مفید	ابن ادریس	المناخرین
ش	ض	د	س	خ
ابن بابویه	ابن عقیل	ابن سراج	ابن جنید	ابوصلاح
به	ل	ج	ید	ح

